



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

سه شنبه ۱۱ اگشت ۲۰۲۰

حمید انوری

لویه چرگه

هموطنان شریف، آنانیکه به گونه ای این مختصر را مطالعه میکنند، شاید در نخستین نگاه به این سطور کج و معوج، بی اختیار با خود بگوئید، کسی که یک عنوان را درست نوشته نمی تواند، چه چیزی برای گفتن خواهد داشت. به گفته شاعر:

نسخه ای آشفته دیوانِ عمر ما می‌پرس

خط غلط معنی غلط املا غلط انشا غلط

و اما لااقل این یکی، یعنی همین عنوان بالا غلط نیست، بلکه بسیار درست و بجا هم است. اینک در گردهم آئی کابل در چند روز گذشته، یک مشت "چرگه" را دست چین کرده و به کابل انتقال داده بودند، صد البته که "لویه چرگه" نبود، بلکه "لویه چرگه" بود، یعنی اینکه در شرایط بسیار ناگوار و خطرناک که ویروس کرونا در جهان و افغانستان بیداد میکند و تنها در افغانستان به گفته وزارت صحت افغانستان، ده میلیون نفر به این ویروس آلوده اند، بیشتر از سه هزار "چرگه" را جمع آوری نموده و در کنار هم قطار میکنند، خود یک عمل غیر مسؤلانه و غیر انسانی است و نظر به گزارشات مختلف، در همان سه روز ده نفر از آن جمله به ویروس کرونا یا مصاب بوده اند و یا مصاب شده اند... از باقی ماجرای کرونا که بگذریم، از مصرف میلیون ها دالر نیز که بگذریم، " ... در این چرگه ۳۲۰۰ نفر از سراسر افغانستان شرکت دارند و حدود ۴,۳ میلیون دالر هزینه داشته است..." بی بی سی

از سرگردانی مردم، مسدود بودن جاده ها و گرفتن یک لقمه نان خشک از دهان کسبه کاران و غریب کاران و روز مزدان هم که بگذریم، میرسیم به اینکه در این "لویه چرگه" و "لویه چرگه" های قبلی نیز یک مشت افراد و اشخاص معلوم الحال را جمع آوری کردند تا مسؤلیت از شانه

های اشرف غنی برداشته شود و بر شانه های همین افراد دست چین شده انداخته شود، همین و دیگر هیچ. آخر دو شخصیت ایکه در بین تمام ۳۲۰۰ نفر، صدای اعتراض بلند کردند، با توهین و تحقیر و لت و کوب و کش و گیر از تالار بیرون انداخته شدند.

"لویه چرگه" ای که حتی تحمل دو نظر مخالف را نداشته باشد، باید هم "لویه چرگه" باشد و نه "لویه چرگه".

قبلاً هم متذکر گردیده بودم که زمینه را به گونه ای ترتیب داده بودند که هر صدای مخالفی را در گلو خفه میکردند.

جالب است که در جمع همین خشکه بانکه ها، رئیس آن "عبدالله عبدالله" خطاب به حاضرین فریاد میزند که در این محفل مسأله "مرگ و زندگی در میان است"، یعنی اینکه اگر رای مثبت دادید، زنده می مانید و از امتیازات خاصی برخوردار می شوید و اگر رای منفی دادید، مرگ را پذیرا شوید. جالب اینجاست که هیچ یک از این گویا دست اندرکاران "لویه چرگه"، اهلیت آنرا نداشتند که با استدلال قوی، نفع و ضرر رهائی ۴۰۰ نفر قاتل و قصاب و جانی و زانی طالب را بصورت مفصل و با اسناد و شواهد برای حاضرین تشریح میکردند تا آنان در زمینه غور و مذاقه نموده و تصمیم خود را اعلان می داشتند.

درحالیکه هم عبدالله و هم غنی و هم دیگر مسؤلین "لویه چرگه"، کاملاً خاموشانه نظاره گر زنی بودند که با کش و گیر و تیله تنبه، خانم بلقیس روشن را از تالار بیرون پرتاب میکرد و هرگز تا آخرین لحظه کوچکترین اقدامی جهت جلوگیری از عمل زشت و غیر انسانی آن زن جنگره نکردند، بعدها داکتر عبدالله از بلقیس روشن معذرت خواست و اشراف غنی قفله کرد که آن زن نازن و ناانسان را به چنگال قانون خواهد سپرد. این بدان معنی تواند بود که به این افراد فهمانده شده بود که شما آزادانه وظایف محوله تانرا انجام دهید و جلو مخالفت و مخالفین را به هر نوع ممکن بگیرید، بعد ما معذرت می خواهیم و وعده های سر خرمن میدهیم و بسم الله، الله و اکبر...

دیروز هم که روز آخر "لویه چرگه"، بود، یک مرغ طالب دول با ریش و پشم به جایگاه خطابه خود را در حالی رساند که هیچ ممانعتی در مقابل او وجود نداشت و سخنان کوچه و بازاری را که در فامیل و خانواده فراگرفته بود به بلقیس روشن و دیگر زنان که از حقوق حقۀ زنان و حق آزادی بیان دفاع می کرد، سخیفانه دشنام داده و آنها را "فاحشه" خطاب کرد و نظم "لویه چرگه" را برهم زد و... از این قماش افراد اما نمی توان توقع بیش از این داشت.

مردم افغانستان خواهان محکمه علنی آن نازن و این نامرد اند و انتظار دارند تا از وظایف شان سبکدوش گردیده، از تمام خانم های افغان، بخصوص خانم بلقیس روشن بصورت علنی معذرت بخواهند و جزای لازم به آنان داده شود. دیگر از این وعده های سر خرمن به مردم ندهید.

این کمترین با یقین گفته می توانم که این "باچ دهی ها" به طالبان، هرگز یک صلح شرافتمند و پایدار را به کشور به ارمغان آورده نمی تواند، بگذار کرزی ها و عبدالله ها و غنی ها و اعوان و انصار شان، دور خود چرخک بزنند و شادی و پایکوبی کنند و چیغ و فریاد سر دهند. اینها ملت را به کجراهه میبرند و به وطن و وطندار سخت خیانت میکنند.

در اخیر هم باید علاوه نمود که اشرف غنی با فریاد و فغان گلو پاره کرد که: "من باچ ده نیستم"، اما آیا او فراموش کرده است که به عبدالله عبدالله باچ داد، به دوستم باچ داد، به گلبدین باچ داد، به اتمر باچ داد و در اخیر هم به طالب باچ داد. مگر باچ دهی شاخ دارد یا دم؟! و اما درک کرزی از صلح مورد نظر اش چیست؟

او میگوید که بسیار خوش است و بسیار احساساتی است و ...، و بعد از ایجاد "صلح"، به مزار می رود و به بامیان میرود و به ...، میرود، بسیار خوش می باشد و بسیار پول و پیسه می آید و ...، و بعد هم اضافه میکند که اطفال به مکتب میروند و زنده از مکتب بر میگردند و ...

آیا یک صلح شرافتمند همین است که کرزی ترسیم میکند و بسیار خوش هم است و ... نه آقای کرزی! نه! آنچه جناب شما از صلح در مخیله دارید و برای یک مشت "چرگه" ترسیم می کنید و آنها هم از شنیدن سخنان گهربار شما، لب های شان تا بیخ گوش ها می رود، در حقیقت صلح نه، بلکه زندگی در یک قفس طلائی است که شما می توانید از این کنج قفس به آن کنج آن پر بزنید، چهچه بزنید، مستی کنید و آب و نان بی غیرتی زهرمار کنید و ... و قفس شما را هرگز کسی به باغی نخواهد بود و دل شما شاد نخواهد کرد، هرچند جناب شما عادت دارید در قفس زندگی کنید و فکر کنید در باغ جنان آزاد پرواز میکنید. مگر همین جناب شما نبوده و نیستید که همسر معظمه تانرا حدود بیست سال است که در یک قفس چوبی، همچون کبک ای نگهداری میکنید و آن قفس را با هفت پوش رنگی و زری، پوشانیده اید؟!!

درد دل بسیار است، اما بگفته مشهور، "اگر در خانه کس است، یک حرف بس است"، هرچند خوب میدانم که در خانه کس نیست و اگر کسی هم باشد؛ بالاخانه را دیر گاهیست که به اجاره داده است.

ما کتاب کهنه ای هستیم سر تا پا غلط !
خواندنی ها را سراسر خوانده ایم اما غلط !
سال ها تدریس می کردیم خطا را با خطا
سال ها تصحیح می کردیم، غلط را با غلط !
بی خبر بودیم دریغا از اصول الدین عشق !
خط غلط، انشا غلط، دانش غلط، تقوی غلط !
دین اگر این است ! بی دینان ز ما مؤمن ترند
این مسلمانی ست آخر؟ لا غلط الا غلط !
روز اول درس مان دادند، یک دنیا فریب
روز آخر مشق ما این بود: یک عُقبا غلط !
گفتنی ها را یکایک هر چه باد و هر چه بود
شیخنا فرمود اما یا خطا شد یا غلط !
گفتم از فرط غلط ها دفتر دل شد سیاه !
گفت می دانم غلط داریم آخر تا غلط !
روی هر سطری که خواندیم از کتاب سرنوشت
دیده ی من یک غلط می دید و او صدها غلط !
یارب از تو مغفرت زیباست، از ما اعتراف
یارب از تو مرحمت می زیبد و از ما غلط !

علی رضا قزوه